

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Economic

اقتصادی

والنتین کاتاسونوف* (Valentin Katasonov)

برگردان از: ا. م. شیر

۲۲ جون ۲۰۱۳

طلای بانکهای مرکزی: تاریخ مصادره آرام (۲)

۵- برآورد اریک سپروت (Eric Sprott): سرقت طلا از بانکهای مرکزی ادامه دارد

اریک سپروت، میلیاردر، سرمایه گذار مشهور با ۳۵ تجربه کار در بازارهای مالی، آگاه به ظرافت دادوستد فلز زرد، عقیده دارد، که شاخصهای مالی آشکارا به طور کامل میزان واقعی تقاضا به فلز زرد در بازارهای جهانی را نادیده می گیرد (او، در حدود ۴ هزار الی ۴ هزار و ۵۰۰ تن در سال ارزیابی می کند). طبق تخمین او، تقاضای واقعی برای فلز گرانبها در ده سال اخیر به طور میانگین ۲۳۰۰ تن بیشتر از رقم رسمی اعلام شده از سوی کمیته طلا و دیگر مؤسسات معتبر بوده است. اما عرضه طلا به حساب تولید جدید و قراضه، با میزان تقاضای واقعی به طلا در جهان مطابق نیست. یک منبع مخفی طلا برای تأمین پوشش تقاضای حساب نشده به میزان تقریباً ۲۳۰۰ تن در سال وجود دارد. به باور اریک سپروت، کسری حجم فلز زرد مورد نیاز بازار، از خزانه بانکهای مرکزی تأمین می شود. بانکهای مرکزی کشورهای توسعه یافته اقتصادی، مثل امریکا، اروپا، جاپان و همچنین، مؤسسات بین المللی، مانند صندوق بین المللی پول و بانک مرکزی اروپا، که هر کدام ذخیره طلای خاص خود را دارند، چنین عرضه اضافی را از اول قرن حاضر به انجام رساندند. بر اساس گزارشات رسمی، مجموع ذخیره طلای اعلام شده از سوی بانکهای مرکزی و مؤسسات بین المللی در اولین دهه سده بیست و یکم تغییر جدی نیافته و در سطح ۲۳ هزار تن باقی مانده است.

اگر به مدعیات سپروت باور کنیم، در آن صورت، چنین نتیجه ای به دست می آید، که ذخیره طلای بانکهای مرکزی کشورهای توسعه یافته اقتصادی می توانست فقط به مدت ده سال تقاضای اضافی حساب نشده بازار را تأمین نماید. با این حساب، خزانه بانکهای مرکزی کشورهای منطقه «میلیاردرهای طلائی» اصولاً باید تا سال ۲۰۱۱ خالی شده باشند. اما اکنون در سال ۲۰۱۳ به سر می بریم. با وجود این، نباید فراموش کرد، که بر اساس ارزیابی فوق الذکر و نروزو، خزانه بانکهای مرکزی تا آغاز قرن بیست و یکم نیمه خالی بودند. هنوز در سال ۱۹۹۸، تقریباً نیمی از ذخایر رسمی طلای همه بانکهای مرکزی در خارج از محدوده بانکهای مرکزی در «گردش» بودند. به سخن واضح تر، از ۲۳ هزار تن ذخیره اعلام شده بانکهای مرکزی منطقه «میلیاردرهای طلائی» تا سال ۲۰۰۱، به واقع فقط ۱۱ هزار و ۵۰۰ تن طلا در خزانه باقی مانده بود. و این مقدار طلا می توانست تقاضای اضافی حساب نشده را در بهترین حالت،

به مدت فقط پنج سال تأمین نماید. به سخن دیگر، خزانه طلائی «میلیاردرهای طلائی» می بایست نه در سال ۲۰۱۱، بلکه در سال ۲۰۰۶ خالی میشدند. این هم نوعی معما!

۶- نه تنها طلای خودیها، حتی طلای بیگانه ها را هم سرقت می کنند

اگر بخاطر بیاوریم، که بانکهای مرکزی برخی کشورها در خزانه خود نه تنها طلا، حتی فلز متعلق به خارجی ها (پیش از همه، متعلق به بانکهای مرکزی و خزانه داری سایر کشورها) را در ترازنامه های خود ثبت کرده اند، معما حل می شود. در هر حال، مؤسسات خصوصی، در رأس همه، بانکهای بزرگ از خدمات نگهداری بهره می برند. در پی طرح مسأله عودت طلای المان از دیگر کشورها، متوجه شدیم که بیش از دو سوم از ۳۴۰۰ تن مجموع کل ذخیره رسمی طلای این کشور، در خارج، یعنی، ۱۵۳۶ تن در خزانه بانک فدرال رزرو نیویورک، ۳۷۴ تن در خزانه بانک مرکزی فرانسه و ۴۵۰ تن آن نیز در خزانه بانک مرکزی انگلیس نگهداری می شود.

اما اکنون سعی می کنیم مسأله طلای واقع در خارج از کشور را از جانب دیگری، از طرف آن کشورها که نقش «نگهبان» یا «خزانه دار» را بازی می کنند، مورد بررسی قرار دهیم. «نگهبانان» بزرگ زیادی در جهان وجود دارند. اینها عبارتند از امریکا، انگلیس، فرانسه و همچنین سوئیس. به ویژه، نقش نگهبان را در آخرین کشور نامبرده نه تنها بانک مرکزی (بانک ملی سوئیس)، حتی بانک تسویه های بین المللی مستقر در خاک این کشور نیز ایفاء می کند. در این فهرست کوتاه، سهم شیر همه طلای خارجی به دو کشور امریکا و انگلیس تعلق می گیرد (به جدول نگاه کنید).

ذخایر طلای سپرده شده برای نگهداری در امریکا و انگلیس (تا تاریخ اول اکتوبر سال ۲۰۱۲)

امریکا و انگلیس، مجموع

۱- طلای متعلق به خود ۵/ ۸۱۳۳ / ۳ / ۳۱۰ / ۸۴۴۳

۲- طلای خارجی

به امانت گذارده شده ۵/ ۶۲۰۰ / ۷ / ۵۰۶۷ / ۲ / ۱۱۲۶۸

برای نگهداری

۳- مجموع طلای متعلق

به خود و خارجی ۱۴۳۳۴ / ۵۳۷۸ / ۱۹۷۱۲

۴- سهم طلای خارجی در

حجم کل طلای به امانت ۱/ ۴۱ / ۳ / ۹۴ / ۵۷

گذارده شده برای نگهداری، به %

امریکا و انگلیس در خزانه بانک فدرال رزرو نیویورک و بانک مرکزی انگلیس بیش از ۱۱ هزار تن طلای متعلق به کشورهای خارجی را نگهداری می کنند. شایسته توجه است که طلای کشورهای خارجی در انگلیس بیش از ۱۶ برابر بیشتر از ذخیره طلای کشور است و در امریکا نسبت طلای کشورهای خارجی به طلای متعلق به خود، ۷۶ درصد می باشد. طلای کشورهای مشترک المنافع انگلیس (استرالیا، کانادا، هندوستان و غیره) در بانک مرکزی انگلیس نگهداری می شود. امروز بانک مرکزی انگلیس نقش مهمی را نه تنها برای کشورهای مشترک المنافع، بلکه حتی برای کشورهای قاره اروپا بازی می کند. مثلاً، اتریش- ۸۰ درصد، هالند- ۱۸ درصد و المان- ۱۳ درصد از کل ذخیره طلای خود را در بانک مرکزی انگلیس نگهداری می کنند. مشتریانی از سایر کشورها هم وجود دارند. به عنوان مثال، بانک مرکزی مکزیک ۹۵ درصد ذخیره طلای خود را در بانک مرکزی انگلیس نگهداری می کند. حتی مؤسساتی که بانکهای شمش نامیده می شوند (بانکهای خصوصی که با شمشهای فیزیکی طلا کار می کنند) نیز، ذخیره طلای خود را

در بانک مرکزی انگلیس نگهداری می کنند. بخشی از طلای کشورهای خارجی بر اساس توافقنامه های نگهداری در بانک مرکزی انگلیس نگهداری می شود و اتفاقاً، هزینه نگهداری را هم خود مشتریان می پردازند. بخشی از طلاها در حسابهای پس انداز که درصد نیز به آنها تعلق می گیرد، نگهداری می شوند.

قدرتهای پولی کشورهای «میلاردر طلایی» برای ادامه بازی با طلا، نیاز به آن دارند، که نه تنها به ذخیره فلز گرانبهای کشور خود، حتی به ذخایر طلایی که به عنوان امانت به آنها سپرده شده، دست درازی نمایند. محاسبه آن مشکل نیست، که طلای خارجی در گاو صندوقهای بانک فدرال رزرو نیویورک و بانک مرکزی انگلیس برای پوشش تقاضای اضافی محاسبه نشده فلز زرد به میزان ۲۳۰۰ تن فقط برای مدت پنج سال کفایت می کند. البته، باید طلاهای خارجی نگهداری شده در سوئیس، کانادا و استرالیا را نیز به این محاسبات افزود. این مسأله منتفی نیست، که بانکهای مرکزی یکسری کشورها خارج از حوزه کشورهای «میلاردر طلایی» به شیوه داوطلبانه- الزامی می توانستند در بازی طلایی قدرتهای پولی کشورهای «میلاردر طلایی» شرکت نمایند. با احتساب این ذخیره های فلز گرانبها، «بازی طلایی» بانکهای مرکزی هنوز یکی- دو سال دیگر می تواند ادامه یابد. چنین است نگرش اریک سپروت و برخی کارشناسان دیگر در عرصه طلا.

۷- احتمال دارد «بازی طلایی» فردا به پایان برسد

«لحظه حقیقی» ممکن است حتی زود، پیش از آن که سپروت پیش بینی می کند، فرا برسد. چرا؟ برای این که، به باور من، او در ارزیابی خویش برخی نکات تسریع کننده در ارتباط با تقاضا و عرضه طلا در بازار جهانی را در نظر نمی گیرد.

نکته اول- تقاضا برای طلا به سرعت از سوی چین افزایش می یابد. شاخص رشد واردات طلا به جمهوری خلق چین بسیار بالاست. اگر در سال ۲۰۰۹ از طریق هنگ کنگ ۴۵ تن فلز زرد (طبق آخرین گزارش آماری) به چین وارد شد، در سال ۲۰۱۱ میزان واردات این فلز به رقم ۴۳۱ تن و در سال ۲۰۱۲ به رقم ۸۳۴ تن رسید. چین در چهارچوب سیاست طلای خود، مصمم است خرید طلا از بازارهای جهانی را گسترش دهد. خریدها در جهت تأمین نیازمندیهای رو به رشد صنایع زینتی، تقاضای سرمایه گذاری و افزایش ذخیره دولتی انجام می گیرد. سپروت در بررسی خود «عامل چین» را مورد توجه قرار داده ولی آن را دست کم گرفته است.

نکته دوم- پس از فرونشستن موج اول بحران مالی، بسیاری از بانکهای مرکزی خرید فلز زرد از بازارهای جهانی را شروع کردند. از سال ۲۰۰۹، همه بانکهای مرکزی در جهان در عرض دو دهه از فروشندگان خالص به خریداران خالص فلز زرد بدل شدند. خرید خالص طلا به واسطه بانکهای مرکزی جهان در سال ۲۰۱۱ به ۴۳۰ تن و در سال ۲۰۱۲، طبق برآوردهای اولیه، به ۵۰۰ رسید. فعالیتهای شدید بانکهای مرکزی کشورهایی مانند مکزیک (خرید خالص در سال ۲۰۱۱، ۹۸/۹ تن)، روسیه (۹۴/۴ تن)، ترکیه (۷۹/۳ تن)، تایلند (۵۲/۹ تن)، جمهوری کوریا (۱/۴۰ تن)، قزاقستان (۱۴/۹ تن) برای خرید طلا، در پشت این ارقام متوسط پنهان مانده است. اگر چه بانک مرکزی چین از سال ۲۰۰۹ موجودی ذخیره طلای خود را تغییر نداده، اما واضح است، که همچنان به عنوان بزرگترین خریدار فلز زرد در بازار جهانی به حساب می آید. آمارهای رسمی چینی این فعالیت بانک خلق چین را استتار می کند.

نکته سوم-، این نکته، یعنی، کاهش شدید عرضه طلا به شکل قراضه را خود اریک سپروت در گزارش سوم مورد توجه قرار داده است. در اولین دهه قرن بیست و یکم مقدار چنین عرضه ای به طور میانگین ۱۷۰۰ تن بوده و اکنون تا دو برابر کاهش یافته است. میانگین سالانه عرضه طلا نیز به همین سبب تا ۸۵۰ تن تقلیل یافته است.

نکته چهارم- سخن بر سر آن است، که برخی کشورهای جهان درخواستهای واقعی یا طرحهایی برای عودت ذخیره رسمی طلای خود به کشور را مطرح می کنند. آلمان در مورد بازگرداندن ذخیره طلایش از آمریکا، انگلیس و فرانسه

(مجموعاً ۲۳۶۰ تن) مذاکره می کند. کشورهای هالند، سوئیس، اکوادور و آذربایجان در تدارک بازگرداندن طلای خود از خارج هستند. کارزار برای عودت فلز زرد به کشور می تواند موجب ترس و وحشتی بشود که دهها کشور جهان را فراگیرد. بر اساس برخی گزارشها، طلای ۶۰ کشور جهان فقط در خزانه بانک فدرال رزو نیویورک نگهداری می شود)...

بدین ترتیب، می توان گفت، که امروزه مرحله نهائی پاکسازی انبارهای بانکهای مرکزی کشورهای منطقه «میلیاردرهای طلائی» رو به پایان است. طلا ممکن است هر لحظه تمام شود. احتمال دارد تا کنون تمام شده باشد. وجود طلای تنگستنی یکی از علائم این رسوائی به حساب می آید. سوءظن قوی وجود دارد، که آن را (خلاف ادعای برخی رسانه های جمعی) نه چینی ها، بلکه، صاحبان واقعی بانکهای مرکزی کشورهای منطقه «میلیاردرهای طلائی» اختراع کردند. مشکل بتوان تصور کرد، که این اربابان هنوز هم می توانند از توهم وجود طلا در خزانه های بانکهای مرکزی پشتیبانی کنند. آتش رسوائی زبانه می کشد. و خود آن می تواند پیامدهای اقتصادی و سیاسی جهانی داشته باشد.

*- پروفیسور، دکتر علوم اقتصاد، مدیر مرکز پژوهشهای اقتصادی روسیه

به نام «سرگئی فیودوروویچ شاراپوف»

<http://www.fondsk.ru/news/2013/05/12/zoloto-centralnyh-bankov-istor.ija-tihoj-ekspropriacii-ii-20372.html>

۳۰ خرداد- جوزا ۱۳۹۲